

نگاه بیرون

منازعات مهم سال جدید تنش بین عربستان، آمریکا، اسرائیل و ایران

ترجمه: روح‌اله نخعی



● سال ۲۰۱۹، مثل سال ۲۰۱۸، با ریسک تقابل‌هایی عمدی و اتفاقی، بین ایالات متحده، عربستان سعودی، اسرائیل و ایران مواجه است. سه کشور اول دیدگاه مشترکی نسبت به دولت ایران دارند و آن را تهدیدی قلمداد می‌کنند که برای مدتی بیش از حد تشدید و تقویت شده و جاه‌طلبی‌هایش در منطقه باید محدود شود. برای واشنگتن، ترجمه این نگاه خروج از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، بازگرداندن تحریم‌ها، ادبیات تهاجمی‌تر و تهدید به تلافی شدید در مقابل تحریک از سمت ایران بوده است. ریاض از این لحن جدید استقبال کرده است و عمدتا از زبان ولیعهد، محمد بن سلمان، گفته به مبارزه متقابل خواهد پرداخت و تلاش خواهد کرد با ایران مقابله کند؛ در لبنان، عراق، یمن و حتی در خاک ایران، اسرائیل روی سورهی متمرکز شده و ادعا می‌کند[۱] مرتب اهداف ایرانی و نزدیک به ایران را هدف قرار می‌دهد، اما تهدید هم کرده که گروه‌های شبه‌نظامی مثل حزب‌الله در لبنان را که ایران از آنها حمایت می‌کند، هدف قرار دهد.

تا اینجا کار، ایران، با اطمینان به روندهای بلندمدت و با پرهیزی حاصل از احتمال واکنش، تصمیم گرفته در جای خود آرام بماند، درحالی‌که آزمایش موشکی را ادامه داده و ایالات متحده هم او را به استفاده از نیروهای نیابتی شیعه برای تهدید حضور آمریکا در عراق متهم کرده است. از واکنش‌های ایران چنین برمی‌آید که به دنبال فراخواندن پاسخی تند نیست. اما با انباشت فشار اقتصادی روی ایران، ممکن است این رویکرد ادامه پیدا نکند. علاوه‌براین، خطر درگیری تصادفی را که در یمن، در خلیج فارس، در سوریه یا در عراق شروع شود، نمی‌توان نادیده گرفت. منبع اصلی تنش تا اینجا خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای بوده و اعمال دوباره تحریم‌های ثانویه علیه کشورهایی که وارد تجارت با تهران شوند.

اینکه ایران به آنچه جنگ اقتصادی می‌خواند، پاسخی از همان جنس نشان نداده تا حد زیادی به تلاش‌های دیگر امضاتکندگان توافق برمی‌گردد؛ کشورهای اروپایی، روسیه و چین، تلاش‌های آنها برای حفظ فضای داخلی برای تجارت، در کنار تعامل مداوم دیپلماتیک آنها با تهران به مسئولان ایران دلیل کافی داده تا به شرایط توافق وفادار بمانند. همچنین به نظر می‌رسد این مسئولان امیدوار به یک‌دوره‌ای بودن ریاست‌جمهوری ترامپ هم هستند. این محاسبات ممکن است تغییر کند. ایالات متحده و عربستان سعودی امیدوارند تحریم‌ها ایران را مجبور به اصلاح آنچه آنها رفتار مخرب می‌خوانند کند یا باعث تغییر رژیم شود. قطعا این امید ناامید خواهد شد؛ با این‌حال، فشار اقتصادی به مردم عادی ایران فشار می‌آورد.

همچنان که فشار بیشتر به شهروندان ایران وارد می‌شود، صدای تندروهایی که خواستار رهاکردن توافق می‌شوند بلندتر خواهد شد، به‌خصوص در شرایطی که رقابت برای جانشینی رئیس‌جمهور حسن روحانی شدیدتر می‌شود.

حتی اگر ایرانی‌ها محدودیت‌های هسته‌ای را رعایت کنند، ممکن است این وسوسه در تهران تشدید شود که با هدف‌گرفتن حضور ایالات متحده در منطقه، کاری کنند که واشگتن هزینه اقداماتش را بپردازد؛ مثلا تنظیم‌نظامیان شیعه عراقی را تشویق کند که به اهداف آمریکایی در عراق حمله کنند.

خصوصت بین عربستان سعودی و ایران به شکل جدال‌های نیابتی در سراسر خاورمیانه به اجرا گذاشته می‌شود؛ از یمن تا لبنان. هرکدام از این اختلافات ممکن است بالا بگیرند. می‌توان ادعا کرد که یمن خطرناکترین اینهاست. اگر یک موشک حوثی در یک شهر سعودی تلفات برجا بگذارد یا اگر حوثی‌ها کشتی‌های تجاری بین‌المللی در دریای سرخ ر آن‌طور که مدت‌ها تهدید کرده‌اند مورد هدف قرار دهند، این منازعه ممکن است وارد مرحله‌ای بسیارخطرناک‌تر شود.

در سوریه، اسرائیل [ادعا می‌کند] که توانسته اهداف ایرانی را بدون اینکه کار به جنگی گسترده‌تر بکشد، بزند. ایران که بدون تردید، از هزینه بالقوه چنین تشدید تنش‌ی آگاه است، این‌طور محاسبه می‌کند که می‌تواند چنین حملاتی را هضم کند، بدون اینکه منافع عمیق‌تر و حضور بلندمدتش در سوریه به خطر بیفتد. اما صحنه سوریه اشباع شده است، تحمل ایران بی‌حد نیست و احتمالا به اشتباه محاسباتی یا حمله‌ای که به خطا ببرد، همچنان خطری باقی است. روی همه این جریان‌ها، سایه تبعات ترور خاشقچی در اکتر همچنان سنگینی می‌کند. این قتل باعث تشدید انتقاده‌ا در ایالات متحده از سیاست خارجی سعودی و حمایت بی‌قیدوشرط از این کشور شد. این نگاه‌ها امسال با گرفتن کنترل مجلس توسط دموکرات‌ها تشدید خواهند شد. فقط می‌توان امید داشت که این باعث شود ایالات متحده فشار بیشتری برای پایان جنگ یمن به ریاض بیاورد و کنگره نیز مذاقه بیشتری روی سیاست‌های تنش‌زای آمریکا و عربستان درباره ایران داشته باشد.

●**منبع: فارن پالیسی**

ادامه از صفحه ۳

✎ اخیرا این موضوع را در

گفته‌اید و قبلا هم در مصاحبه با سالنامه «شرق» ذکر کرده بودید. فرمودید رزیدانس کارکنان دیپلماتیک سفارت تحت حفاظت ویژه بود. آیا افرادی که جلوی سفارت آمده بودند می‌توانستند به راحتی محل اقامت کارکنان سفارت عربستان را پیدا کرده و حمله کنند؟ چرا برای سفارت حفاظت ویژه در نظر گرفته نشد؟

برای هر دو مورد حفاظت ویژه در نظر گرفته شده بود. کسانی که فراخوان داده بودند و می‌خواستند اعتراضشان را نسبت به اقدامات سعودی‌ها به گوششان برسانند، سفارت را هدف‌گذاری کرده و درخواست کرده بودند. اما پلیس دیپلماتیک به عنوان نهادهی که امنیت و حفاظت از جان دیپلمات‌ها را در کشور برعهده دارد، نمی‌تواند خوشبینانه بگوید چون قرار است این افراد جلوی سفارت بروند پس رزیدانس امن است. بنابراین برای رزیدانس هم این تمهیدات اندیشیده شد. ضمن اینکه رزیدانس هر سفیر، پرچم آن کشور را برافراشته دارد و جلوی درش کیوسک دیپلماتیک است و کاملا شناخته‌شده هستد.

✎ به‌عنوان معاون عربی وقت وزارت خارجه از عملکرد پلیس دیپلماتیک در قضیه سفارت عربستان راضی هستید؟

اگر بخواهم به دو ایراد در این مسئله اشاره کنم، بخشی از ایراد به نحوه حفاظت دیپلماتیک در شرایط بحرانی از سفارت عربستان در تهران برمی‌گردد. حتما باید برای لحظه‌لحظه آن ایام تا وقتی احساسات پاک افرادی که تحت تأثیر رفتارهای بد عربستان این اقدامات را انجام دادن، فروکش می‌کرد، دراین‌باره که ساعت ۱۲ شب مردم رفتند، بگویم قضیه تمام شده و فردا صبح می‌آیند پس تعدادی از نیروها کاهش داده شوند، هرچند در تخصص من نیست، اما می‌توانست تدبیر دیگری اندیشیده شود. درعین‌حال انتقاد جدی‌تری به هم‌وطنان خود دارم؛ به کسانی‌که به هر دلیل در تذکردن دور اعتراض در مقابل سفارت عربستان سعودی در تهران نقش داشتند. نیازی نیست برای اینکه اعتراض خود را می‌آیند پس تعدادی از نیروها کاهش داده شوند، هرچند در تخصص من نیست، اما می‌توانست تدبیر دیگری اندیشیده شود. درعین‌حال انتقاد جدی‌تری به هم‌وطنان خود دارم؛ به کسانی‌که به هر دلیل در تذکردن دور اعتراض در مقابل سفارت عربستان سعودی در تهران نقش داشتند. نیازی نیست برای اینکه اعتراض خود را

به سیاست‌های یک کشور بیان کنیم، به خشونت متوسل شویم. قطعا بین افرادی که این اقدام را انجام دادند، افراد سواستفاده‌گر و کسانی که منافع کشور برایشان مطرح نیست نیز وجود داشتند؛ اما نمی‌توانم بگویم بعضی از افراد که با احساس خاصی پای کار آمدند، در این ماجرا سهمی نداشتند. بنابراین لازم است از این جلو آن دسته از هم‌وطنانمان است که به این نحو اعتراض را انجام می‌دهند، حتی اگر تعدادشان بسیار اندک بوده باشد. جمع کثیری از مردمی که حضور داشتند، آمدند که اعتراضشان را به صورت نمادین نشان دهند و تفرشان را از سیاست‌های غیرسازنده حاکمان تندرو و جنگ‌طلب عربستان سعودی اعلام کنند، اما نباید بیش از این جلو می‌رفتند. در یک نظام بالغ و مقتدر سیاسی که چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی را جشن می‌گیرد، کسی معتقد نیست چنین رفتارهایی می‌تواند سازنده باشد و در سطوح مختلف و مقامات کشور این مسئله مطرح شده است. جالب است بدانیم من بعد از آن ماجرا چه کردم. فردای روز حادثه با رئیس نمایندگی عربستان در تهران تماس گرفتم، سفیرشان قبلا از تهران رفته بود، من به‌صراحت به کاردار گفتم امنیت شما تأمین است، در اتفاقی هم که شب گذشته رخ داده، برای هیچ‌کدام از دیپلمات‌ها و خانواده‌شان مشکلی پیش نیامده و اطمینان دادم می‌توانند مأموریتشان را ادامه دهند؛ حتی هماهنگی‌هایی را به یاد آوردم که در اسرع وقت امکان ادامه فعالیت دیپلماتیک آنها در تهران فراهم شود؛ اما بعدها آن یادداشت نشان داد سعودی‌ها از قبل تصمیمشان را گرفته بودند. برخی از گزارش‌هایی که بعدا برای من آمد، تأیید کرد در بخشی از اغتشاشاتی که جلوی سفارت رخ داد، اتفاقا عواملی که با عربستان مرتبط بوده و از سوی سعودی‌ها بازی خورده بودند نیز دست داشتند.

✎ جریان دادگاه افرادی را که در حادثه سفارت بودند، پیگیری کردید یا احکام آنها را دیدید؟ برخی متهمان احکام سه تا شش ماه حبس گرفتند؛ درحالی‌که عملکرد آنها موجب شد رابطه دو کشور قطع شود. رابطه برخی کشورهای کوچک هم‌جوار هم قطع شد و کلا فضای بدی بر رابطه ایران و برخی کشورهای عربی حاکم شد. به نظرتان احکام صادرشده بازدارنده بود تا شاهد حادثه مشابهی نباشیم؟

به نظر رفتار سعودی‌ها می‌توانست در نوع حکم صاره تأثیر داشته باشد. سعودی‌ها با وجود اینکه خویشتن‌داری تهران را در این‌ موضوع دیدند – ممکن است این جمله را به‌راحتی نتوانم بیان کنم– در یک اقدام شتاب‌زده و نسنجیده تصمیم به قطع رابطه دیپلماتیک گرفتند و برای قطع رابطه با ایران یادداشت دادند. ما باید اقدام متقابل می‌کردیم، ولی این کار را نکردیم که بگویم دیپلمات‌ها در ۲۴ ساعت خاک ایران را ترک کنند؛ مشابه کاری که آنها کردند. ما یادداشتی ندادیم که بگویم ما هم در اقدامی متقابل رابطه‌مان را با عربستان سعودی قطع می‌کنیم؛ برعکس به سعودی‌ها گفتیم احساسی تصمیم نگیرید و امنیت دیپلمات‌ها حفظ است و می‌توانید فعالیت دیپلماتیک خود را ادامه دهید؛ اما سعودی‌ها به جای اینکه درک درستی از سیگنال‌های ما داشته باشند، سعی کردند با مواضعی بسیار تند، با ایران مواجه شوند. هر روز یک تا سه سهمیه برای بیان بدترین واژه‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در سید فعالیت دستگاه دیپلماسی وزارت خارجه عربستان و شخص عادل الجبیر، وزیر خارجه وقت عربستان بود. طبیعی است که اهداف ما در زمان صدور حکم، بازدارندگی آن بود و بخش دیگر



وزیر امور خارجه عربستان سعودی

روز واقعه

اینکه ببینند هیچ مؤسسه حکومتی در ایران این موضوع را تأیید نمی‌کند؛ اما روز به روز رفتارهای توهین‌آمیز عربستان در این رابطه بیشتر می‌شد. اینکه حکم صادره بازدارنده و شدید است یا نه، به نظر به دستگاه قضائی و تشخیص آنها برمی‌گردد.

✎ از شورای معاونان پیش‌بینی می‌کردید عربستان قطع رابطه کند؟

عربستان اقداماتی را از قبل شروع کرده بود که به موضوع برجام برمی‌گشت. اگر بخواهم از مفهوم ساده‌ای استفاده کنم، باید بگویم سعودی‌ها پس از توافق هسته‌ای به رفتاری رسیدند که جنون‌آمیز بود و هیچ عقلانیتی بر رفتار سیاسی حاکمان سعودی حاکم نبود و این رفتار دیوانه‌وار سعودی‌ها در قبال برجام آنها را به این جمع‌بندی رسانده بود که باید مانع از این شوند که برجام در فضایی آرام اجرایی شود. ۱۲ دی قیفا در آستانه ایامی است که قرار بود اجرای برجام (۲۷ دی) کلید بخورد.

صرف‌نظر از اینکه آیا آمریکای اوپاما یا ترامپ برجام را اجرا می‌کرد یا نه، از نظر سعودی‌ها مسجل بود که یک توافق بین ایران و آمریکا در درجه اول و در درجه دوم بین ایران و شش کشور شکل گرفته که می‌تواند وضعیت ایران را با نگاه آن روز عربستان متفاوت کند (می‌خواهم فهم سعودی‌ها را بگویم). سعودی‌ها برنامه‌ریزی داشتند که در آستانه اجرای این مسئله درس‌ری برای ایران ایجاد کنند. اطلاعات دقیقی به دست آوردم که یکی از دلایل اعدام شیخ نمر این بود که سعودی‌ها به دنبال تنش‌آفرینی در روابط منطقه‌ای‌ ما بودند. این را کاملا پیش‌بینی می‌کردیم و در بحث‌هایمان در شورای معاونان مطرح بود. اینکه چطور باید با سعودی‌ها تعامل کنیم که مجاب شوند توافق ما در برجام به منزله بی‌اعتنایی به همسایگان نخواهد بود؛ بلکه پس از برجام همسایگان می‌توانند نفع بیشتری از ادامه همکاری و روابط سازنده با ایران داشته باشند؛ اما در حوزه روابط دو کشور، عربستان سعودی را باید در چارچوب روابط دیرینه تاریخی حتی در دوره قبل از انقلاب تجزیه و تحلیل کنیم.

✎ به نظرتان بخشی از طیف مخالف آقای روحانی به‌ویژه ناراضیان برجام، در داخل هم برای ممانعت از اجرایی‌شدن برجام فشار سعودی‌ها احساس می‌نکردند؟ نزدیکی برخی از نیروهای حاضر در مقابل سفارت با برخی طیف‌های سیاسی داخلی می‌تواند شاهد این ادعا باشد.

من نیمچه تخصصی در زمینه سیاست خارجی دارم، اجازه دهید در زمینه سیاست داخلی صحبت کنم. ✎ اگر ترجیح شما این است، از این سؤال می‌گیریم، بعد از ماجرای سفارت و اعلام قطع رابطه در اولین جلسه سخنگویی وزارت امور خارجه، سخنگوی وقت، بسیار تند موضع‌گیری کرد. به یاد دارم در همه سؤال‌ها بر مصونیت اماکن دیپلماتیک تأکید داشت؛ ولی درباره قطع رابطه با موضوع تندی صحبت می‌کرد و توب یکباره به زمین عربستان شوت می‌شد! من شنیدم که در شورای معاونان وزارت خارجه روی این‌ موضع‌گیری‌ها جمع‌بندی شده بود. تأیید می‌کنید؟

واقعا خیلی حضور ذهن ندارم که آیا در وزارت خارجه جمع‌بندی کردیم که چطور موضع‌گیری کنیم و آن روز سخنگو چطور صحبت کرد؟ ما بالاخره اتفاقی افتاده بود که مقدماتی در درجه‌دار کردن احساسات عمومی مردم را سعودی‌ها فراهم کرده بودند؛ اما پس از این حادثه، رفتار ما چگونه بود؟ ما می‌توانستیم مقابله‌به‌مثل کنیم یا به همان رفتار تند، زشت و نسنجیده عربستان، این کار را انجام دهیم.

✎ اما کسی به ساختنمان سفارت ما حمله نکرده بود. درست است که فاجعه منا پیش آمده بود و در زمان صدور حکم، بازدارندگی آن بود و بخش دیگر

کنفرانس اسلامی در جده دکتر ظریف دعوت شده بود ولی به دلیل گرفتاری‌های کاری ایشان، من به جایشان شرکت کردم و در حاشیه اجلاس شاید حدود یک‌ریع با عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان مستقیم گفت‌وگو کردم. به ایشان گفتم مسئله یمن راه‌حل سیاسی دارد و شما اشتباه کردید. ایشان با عصبانیت گفت یمن فقط راه‌حل نظامی دارد و خواهید دید بعد از سه هفته حوثی‌ها را در شمال یمن ناپسود خواهیم کرد؛ دقیقا با این واژه. من فقط لبخند زدم و گفتم آقای وزیر منتظر آینده می‌مانیم. ۱۰ ماه بعد واسطی از عربستان سعودی در وزارت خارجه پیامی در مورد یمن به من داد که پیامی داریم و فلان فرد می‌خواهد این پیام را در این چارچوب بدهد. پذیرفتم، نماینده به تهران آمد و گفتند مقامات سعودی می‌گویند –اول– ما می‌دانیم رابطه دیپلماتیکمان قطع است –دوم– کاملا شرایط منفی حاکم بر روابط دو کشور را درک می‌کنیم، اما درخواست و سؤال ما این است؛ آیا حاضرد یمن به یمن به ما کمک کند؛ به آن فرستاده گفتم سعودی‌ها از ما انتظار چه می‌کمی دارند؟ گفتند سعودی‌ها تمایل دارند برای اینکه موضوع یمن را بتوانند جمع کنند – می‌خواستند در سه هفته در یمن پیروز شوند– با توجه به ارتباط معنوی شما با حوثی‌ها، (عین ادبیاتی که برای ما به کار می‌برند برخلاف اتهامات رسانه‌ای)، می‌خواهیم به طور سری مستقیما با حوثی‌ها مذاکره کرده و بر سر آتش‌بس توافق کنیم. بعد از اینکه گردش کار کردیم به سرعت نظر مسئولان ذی‌ربط نظام را گرفتیم و درحالی‌که فرستاده آنها هنوز در تهران بود، گفتم حاضر هستیم این کار را انجام دهیم. قانع‌کردن آقای عبدالملک الحوثی کار دشواری بود اما انجام شد.

✎ چه کسی ایشان را قانع کرد؟

واسطه‌هایی که وجود داشتند و بخش‌های ذی‌ربطی در نظام می‌توانستند کمک کنند این پیام به نحو مناسب برسد. ولی به طور مشخص در آن مقطع سفارت ما در یمن فعال بود و در انتقال پیام نقش اصلی را داشت.

✎ در داخل نظام جمهوری اسلامی چه فردی بیش از دیگران با حوثی‌ها رابطه نزدیک دارد؟

حوثی‌ها با هم رابطه نزدیک دارند.

✎ به‌رحال ما با آنها ارتباط معنوی داریم.

ارتباط ما با آنها از طریق سفارتمان در صنعاست.

✎ الان که سفارت نداریم چطور؟

زمانی که سفیرهای ما در صنعا نیست هم سفارت در کشور دیگری در منطقه فعال است و از آنها ارتباطات را انجام می‌دهند. یا از طریق نماینده‌مان در سازمان ملل مطالبمان را در مسیرهای دیپلماتیک منتقل می‌کنیم. اما آن زمان که می‌خواستیم پیاممان را منتقل کنیم، سفارت ما در صنعا فعال بود و با برخی از نزدیکان انصارالله و آقای عبدالملک الحوثی ارتباط داشتیم و می‌توانستیم این پیام را منتقل کنیم. نتیجه این شد که سرلشکری از طرف عربستان سعودی و یک نفر از مقامات شناخته‌شده و آقای عبدالسلام که سخنگوی انصارالله است، در نقطه مرزی این گفت‌وگوی سری را انجام دادند. بعدا همین مذاکره منبایی برای گفت‌وگوهای یمنی-یمنی در عمان و کویت بود. ما حتی در شرایط قطع رابطه هم با نگاهی که به عربستان سعودی داریم رفتار و واکنشمان کاملا سازنده بود و برای تحقق صلح و امنیت در این منطقه کمک کردیم.

✎ آیا در یمن و در رابطه با حوثی‌ها به‌زودی مستشاری داریم؟

من وزارت خارجه‌ای هستم و بخشی که من ارتباط کاری دارم، کانال دیپلماتیک و سفارتمان در صنعا و مسیرهای دیپلماتیکی است که همیشه باز است و ارتباط داریم. اما شما اگر کانال دیگری دارید، ممنون می‌شوم که به من معرفی کنید.

✎ در موضوع یمن، کانال‌های دیپلماتیک عمل می‌کنند؟

در موضوع یمن کانال‌های دیپلماتیک ما به صورت فعال از ابتدای تحولات عمل کرده است. اجازه می‌خواهم درباره عربستان نکاتی را اضافه کنم. چون فضای سؤال‌های شما به‌گونه‌ای بود که باید درباره واقعاتی صحنه آن روز حادثه پاسخ بی‌دام که این صحنه و رفتار عربستان الان هم خیلی تغییر نکرده است.

✎ حتی بدتر هم شده.

به نظر سعودی‌ها دچار توهم بزرگی شده‌اند و توهم آنها ناشی از این است که فکر می‌کنند فرصت ترامپ برای آنها فرصتی است که می‌توانند خودشان را در مسیر مبارزطلبی با جمهوری اسلامی ایران قرار دهند. اما به ترامپ اتکا کنند. نگاه ما به عربستان این‌طور نیست. به نظر یمن باید درس بزرگی به سعودی‌ها داده باشد. ما هیچ‌گاه در استراتژی‌مان عربستان را جزء دشمنان کشورمان تلقی نکرده‌ایم. در دولت‌های مختلف هم همیشه سیگنال‌های مثبت داده‌ایم. آقای روحانی که رئیس‌جمهور شدند در اولین مصاحبه بزرگ‌ترین سیگنال‌های مثبت را به عربستان دادند. سعودی‌ها باید از توهم خارج شوند و واقع‌بینانه بنگرند و رفتار سازنده و نیت خیرخواهانه ایران را درک کنند. ما برای سعودی‌ها چیزی جز خیر نمی‌خواهیم. این جمله بین من و سعود الفیصل در آخرین ملاقاتم با ایشان اتفاقا با حضور آقای صادقی به‌عنوان سفیر ردوبدل شد. آقای سعود الفیصل، وزیر خارجه اسبق عربستان، عینا تکرار کرد که ما هم جز خیر برای ایران نمی‌خواهیم. ما جز خیر برای عربستان و جهان اسلام و منطقه نمی‌خواهیم؛ اما امیدوارم کلامی که چند ماه قبل از فوت سعود الفیصل بر زبانش جاری شد در حاکمان عربستان سعودی ساری شود و آن‌وقت خواهند دید طریقه ایران و عربستان سعودی و دیگر کشورهای مهم منطقه ما از جمله مصر و ترکیه چقدر می‌تواند در صلح و ثبات و امنیت و توسعه پایدار منطقه مؤثر باشد.

خبر

حمیرا ریگی؛ اولین سفیر زن اهل سنت

فرماندار قصرقند، سفیر می‌شود



● **شرق:** فرماندار زن قصرقند در حالی روز گذشته میزبان معاون اول رئیس‌جمهوری در این شهر بود که چندی‌دیگر به عنوان سومین سفیر زن ایرانی به برونی خواهد رفت. احساق جهانگیری که برای بازدید به استان سیستان‌و بلوچستان رفته بود، از تلاش‌ها و خدمات حمیرا ریگی فرماندار قصرقند در جهت رسیدگی به مسائل و مشکلات مردم این منطقه تشکر کرد و گفت: «با تصمیم دولت خانم ریگی به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در برونی منصوب خواهند شد». برونی کشور کوچکی در جزیره بورنوو در جنوب شرقی آسیاست که اکثریت مسلمان دارد. طینه سیاوشی، عضو فراکسیون زنان مجلس «در نشست فراکسیون زنان مجلس، محمودجاد ظریف اعلام کرد در صورت نهایی‌شدن کارهای حمیرا ریگی، او به برونی اعزام می‌شود». نماینده تهران افزود: «ظریف در این نشست بیان کرد که ممکن است سفیران زن دیگری نیز از سوی وزارت امور خارجه به زودی انتخاب شوند». حمیرا ریگی، سومین سفیر زن ایرانی بعد از انقلاب محسوب می‌شود. پیش از این «مرصیه افخم» سخنگوی سابق وزارت خارجه و استاد علوم سیاسی، چند سال پیش به عنوان نخستین سفیر زن ایران، رهسپار سفارت ایران در کوالالامپور مالزی شده بود. بعد از او نیز «پروین فرشچی» که معاون زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست در زمان معصومه ابتکار بود، به عنوان سفیر ایران در فنلاند انتخاب شد.

حمیرا ریگی اولین سفیر زن اهل سنت و دومین سفیر سنی ایران نیز هست. پیش از او «صالح ادینی» به عنوان نخستین ایرانی کرد اهل سنت به عنوان سفیر ایران در ویتنام منصوب شده بود.

روزنه

نقل قول عجیب نبی حبیبی از دبیر کل مؤتلفه

● **شرق:** دبیرکل حزب مؤتلفه در ادعایی عجیب از قول دبیرکل درگذشته این حزب ادعایی طرح کرده که هیچ سندی برای اثباتش وجود ندارد. او با اشاره به جلسه‌ای که با آقای حبیب‌الله عسکراولادی سال ۸۸ با میرحسین موسوی داشته‌اند گفته است: «فردای جلسه آقای عسکراولادی و چهار نفر دیگر با مهندس موسوی، ما منتظر بودیم که ایشان تماس بگیرد و بگوید که خودش به نماینده‌اش آمده بود برای بازشماری آراء است اما نه‌تنها خبری از تماس نشد بلکه دو روز بعد یبانه‌ای تندتر از بیانیه اول از سوی آقای موسوی منتشر شد. آقای عسکراولادی در واکنش به این بیانیه گفته بود گمان می‌کنم در محل جلسه ما با آقای موسوی، دستگاه‌های شنودی کار گذاشته شده بود که لافلاصه بعد از حضور ما گروه دیگری از عو‌ض‌کردن نظر مهندس موسوی در دفتر او حضور پیدا کردند، چراکه در جلسه مذکور هیچ‌کس به‌جز آن هیئت پنج‌نفره و شخص آقای موسوی حضور نداشتند». حبیب‌الله عسکراولادی درگذشته است و حالا از قول او صحبت‌هایی مطرح می‌شود که امکان اثبات آن وجود ندارد. اگر چه این اظهارنظر هم در نوع خود عجیب و باورنکردنی است.

حبیب‌الله عسکراولادی در ماه‌های پایانی عمر خود بارها و بارها اعلام کرد که موسوی و کروبی را قتل‌گر نمی‌شناسد. این گفته او با واکنش‌های تندی از سوی یاران اصولگرایش روبه‌رو شد. خودش گفته بود: «من موسوی و کروبی را اهل فتنه نمی‌دانم و با هر دو این افراد سال‌ها کار کرده‌ام با توهانی که من

یک سال وزیر موسوی بودم و سال‌ها در کمیته امداد در کنار کروبی بودم؛ بنابراین معتقدم اینها افرادی هستند که از ابتدای انقلاب بوده‌اند و ما نباید آنها را اهل فتنه بدانیم». در جایی دیگر هم گفته بود:

«برخی گفتند که سخنان من برای تبرئه اهل فتنه است. بیرون‌آوردن موسوی و کروبی از صحنه زنده‌باد و من سرعت ببخشد یا مرده باد کند. من به عنوان یک شهروند ایرانی حق دارم نظر حقیقی خودم را بگویم. من به عنوان یک شهروند اظهارنظر کردم و به عنوان یک عضو هیئت منصفه می‌گویم که من موسوی و کروبی را در فتنه ۸۸ مجرم نمی‌شناسم. آیا نباید این را بگویم، چون به من گفته می‌کنند؟».